اربعین تابلوی ظهور

نگاهی به عظمت اربعین و تضاد با اصالت های مادی غرب

و ارتباط با ظهور

نویسنده

فریدون عاشورلو

اربعین ۱۴۴۰

اربعین تابلوی ظهور

اَلْحَمْدُ للّـهِ عَلی ما اَنْعَمَ، وَ لَهُ الشُّكْرُ عَلی ما اَلْهَمَ، وَ الثَّناءُ بِما قَدَّمَ، مِنْ عُمُومِ نِعَمٍ اِبْتَدَاَها، وَ سُبُوغِ الاءٍ اَسْداها، وَ تَمامِ مِنَنٍ اَوْلاها، جَمَّ عَنِ الْاِحْصاءِ عَدَدُها، وَ نَأی عَنِ الْجَزاءِ اَمَدُها، وَ تَفاوَتَ عَنِ الْاِدْراكِ اَبَدُها، وَ نَدَبَهُمْ لِاسْتِزادَتِها بِالشُّكْرِ لِاتِّصالِها، وَ اسْتَحْمَدَ اِلَی الْخَلائِقِ بِاِجْزالِها، وَ ثَنی بِالنَّدْبِ اِلی اَمْثالِها (خطبه صدیقه کبری سلام الله علیها)

حمد و سپاس خدای را برآنچه ارزانی داشت، و شکر او را در آنچه الهام فرمود، و ثنا و شکر بر او بر آنچه پیش فرستاد، از نعمتهای فراوانی که خلق فرمود و عطایای گسترده‌ای که اعطا کرد، و منّتهای بیشماری که ارزانی داشت، نهایت آن از پاداش فراتر، و دامنه آن تا ابد از ادراک دورتر است، و مردمان را فراخواند، تا با شکرگذاری آنها نعمتها را زیاده گرداند، و با گستردگی آنها مردم را به سپاسگزاری خود متوجّه ساخت، و با دعوت نمودن به این نعمتها آنها را دو چندان کرد.

نحمدک اللهم یا من نوّر قلوبنا بانوار المحبه العلویه، و اکمل لنا دیننا بالولایه المرتضویه و اتمّ نعمته علینا بالهدایه الحیدریه؛ و نصلی و نسلّم علی الخاتم لما سبق و الفاتح لما انغلق و المعلن الحقّ بالحقّ و الدافع جیشات الاباطیل و الدامغ صولات الاضالیل، حبیبک و حبیبنا ابی‌القاسم محمد، صلی الله علیه و علی اهل بیته الاطیبین، الائمه الهداه المعصومین، اهل الذکر و اولی الامر و امناء ربّ العالمین و لاسیّما النور علی النور فی طخیاء الدیجور و الامام المنصور و السراج المستور، مهدیّ هذه الامه و خاتم الائمه، امام زماننا، الحجه بن الحسن العسکری عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف؛ و لعنه الله علی من لم یقرّ بولایتهم أو عدّ نفسه فی عدادهم أو قاس غیرهم بهم، أبد الآبدین و دهر الداهرین.

دوستی امری وجدانی است و همه‌ی انسان‌ها با آن سر و کار دارند و ریشه‌اش در شناخت محبوب است. در حدیثی امام صادق علیه‌السلام بر این حقیقت این چنین تأکید می‌فرماید: الحب فرع المعرفۀ (مودت و دوستی، فرع شناخت و ادراک است) و راه‌های شناخت نیز مختلف است:

گاهی از طریق حواس ظاهری حاصل می‌شود و گاه از طریق وهم و خیال و گاه از راه دل و فطرت و علم وعقل است.

محبت واقعی و با ثبات، محبت ناشی از شناخت از راه دل و فطرت و علم وعقل است که در درجه‌ی اول این محبت و معرفت ذات اقدس الهی است که همگان در برابر او چنان محبت فطری دارند که در تسلیم محض او نمود پیدا می کند و پس از او، آنان که مظاهر اتم و اکمل این مودت و محبت هستند و اگر مودت و محبت به آنان محقق نشود راهی به محبت خداوند مفتوح نمی گردد و در روایات از این نوع محبت به«**محبت مکتوم**»یاد شده است اظهار علاقه و محبت و تسلیم و مودت و معرفت به اهل بیت علیهم السلام است.

از این‌رو انسان به طور فطری و عقلی اشخاص دارای کمالات غیر محسوس را دوست دارد و گاهی این محبت به حدی است که انسان حاضر است همه‌ی اموال و هستی خود را برای یاری رساندن به آنان صرف کند و اگر کسی در مقام جسارت و طعن آن اشخاص برآید در دفاع از او، از تن و جان خود می‌گذرد و این در حالی است که شاید آدمی هرگز آن شخص را حضوری ملاقات نکرده باشد. بر همین اساس است که بسیاری از انسان‌ها به امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام عشق می‌ورزند و بی‌نهایت به صفات روحی او غبطه می‌خورند مانند جورج سمعان جرداق نویسنده و شاعر مسیحی لبنان که متحیر شخصیت امیرالمومنین گشته بود و ده ها جلد برای امام اول شیعیان قلم زد.

حضرت سید الشهدا و شعائر حسینی نیز در این محدوده از معرفت و مودت قرار گرفته است و اربعین شریف راهی است برای کسب معرفت و تجدید بیعت با امام غائب و منقم خون سید الشهدا علیهم السلام ، همان امامی که در زیارت شریف عاشورا ، خداوند متعال او را امام منصور لقب داده است.

این مقاله سعی دارد ارتباطی بین اربعین و زمینه تعجیل ظهور پیدا کند ، نویسنده می خواهد بگوید که مراسم با شکوه اربعین یک سنت متشرعه و مستمره شده است که بدون شک به تائیدات امام عصر روحی فداه رسیده است و اربعین مقدس و تمام متعلقات آن زمینه معرفت افزایی ما را فراهم می کند و اگر اسباب معرفت فراهم شود به دنبال آن شناخت پیدا می شود و شناخت در کنار معرفت موجبات انس و مودت را فراهم می کند لذا در این مقاله سعی شده نشان دهد که مراسم اربعین یک ابزار معرفت افزایی برای زمان ظهور است.

لذا مطالب بر اساس فهم نویسنده است و هدفی جز کسب رضایت صدیقه طاهره شهیده اول وجود مقدسی که منتظر واقعی ظهور فرزندش است ندارد.

این مقاله را تقدیم می کنم به صاحب ثلث ساداتی که مقتول(سادات حسنی و حسینی داریم اما محسنی نداریم) شدند ، حضرت محسن بن علی بن ابیطالب علیهم السلام که مظلومانه بین در و دیوار به شهادت رسید .

ان شا الله در صورت مقبول افتادن و عنایت ارباب آرزو دارم روح مادر استاد و دوست و سرور گرامی حاج آقا سید علیرضا شاهرودی آقازاده مرجع دینی و فقیه مدقق السید محمد الحسینی الشاهرودی (دام ظله) و مادر سیده مرحوم یوسفی و ابوالشهید حاج آقای آذر ، شریک باشند.

جهان اسلام با دو مراسم باشکوه و عظیم شناخته می شود و هرکدام از این مراسم ها دارای اثرات جهانی می باشند یکی مراسم حج ابراهیمی است که با حضور تمام مذاهب اسلامی شکل می گیرد و دیگری مراسم پیاده روی اربعین است که با اکثریت شیعه و درصدی از محبین اهل بیت علیهم السلام از دیگر ادیان و مذاهب شکل می گیرد.

مراسم اربعین به عنوان بزرگترین مراسم مذهبی در اسلام که مختص شیعیان است شناخته می شود و در عصر حاضر بزرگترین نماد فرهنگی شیعه شده است و به تعبیر منتقدان بعنوان ویترین تشیع در جهان می باشد .

پیاده روی اربعین یک مراسم مسالمت آمیز و بزرگترین زنجیره صلح آمیز انسانی می باشد و طبق آمار مطرح شده در خبرگزاری ها و گینس این جمعیت رکورد های مختلفی را شکسته است.

از آنجایی که غرب با چنین عظمتی عناد دارد و شعائر حسینی را برای خود خطری بزرگ میداند اجازه پوشش خبری به اربعین شریف را نمی دهد ولی با این حال طبق مشاهدات و اعترافات مردمی می توان ادعا کرد که مراسم پیاده روی اربعین اکثر رکوردهای گینس را در موضوعاتی چون بیشترین غذای پخت شده ، بیشترین غذای مصرف شده ، آب مصرفی ، نان پخته شده، بزگترین خوابگاه انسانی در شب ، یا طولانی ترین پیاده روی دسته جمعی شکسته است.

برخی از آمار بطور رسمی گوشه ای از عظمت اربعین را به تصویر کشیده است ، نصیف جاسم التمیمی رئیس شورای کربلا اعلام کرد جمعیت ۲۷ میلیونی در اربعین ۱۴۳۸ وارد کربلا شده اند و از ۸۰ کشور دنیا زائر در این مراسم شرکت داشتند و حدود ۷ هزار موکب به صورت شبانه روزی در حال خدمت رسانی به زائران بودند دب حالی که جمعیت کربلا ۶۰۰ هزار نفر است (مصاحبه با ریس شورای کربلا - گزارش خبرگزاری کربلا) همانطور که در ابتدای بحث بیان شد جهان دو مراسم مسلمانان را به طور ویژه رصد می کند یکی مراسم باشکوه حج و دیگری مراسم عظیم اربعین و باید توجه کرد که مراسم اربعین از زمان سقوط صدام از سال ۲۰۰۴ تاکنون یعنی سال ۲۰۱۷ حدود ۱۳ سال می گذرد و این مراسم باشکوه در طی ۱۳ سال قوت و رسمیت بیشتری گرفته است .

رسانه های غربی با تمام سانسورهای خبری ، نتوانستند این مراسم بزرگ را انکار کنند ، روزنامه ایندیپندنت در گزارشی مفصل نوشت: اربعین در مقایسه با حج ابراهیمی و مراسم مذهبی هندوها (کومبه میلا kumbh mela) با توجه به شرایط پر خطر تروریستی داعش قابل قیاس نیست و آنها (شیعیان) عازم کربلا که در ۶۲ مایلی (۹۳ کیلومتری) جنوب غربی بغداد است می شوند تا در عزای امام سوم خود که در سال ۶۸۰ میلادی شهید شده است شرکت کنند[۱].

خبرگزاری رویترز با اینکه به جمعیت کثیر اربعین اشاره کرد ولی از آن به عنوان یک نگرانی امنیتی مقامات عراقی یاد کرد و با تیتر / shil"te pilgrims flock to Iraq holy city government fears attack REUTERS ۱۰ dec ۲۰۱۴ آن را به چاپ رساند.روزنامه هافینگتون پست در مقاله ای نوشت : بزرگترین زیارت جهان در راه است اما شما هرگز چیزی از آن نشنیده اید[۲].

اگر رسانه ها این حرکت عظیم را فقط در بحث وعده های غذایی پوشش خبری دهند باعث شگفتی جهان می شود چنانچه بخواهیم یک مقایسه سطحی داشته باشیم گزارش زیر می تواند جالب باشد.

حدود ۸ سال پیش (۲۰۱۰) در کشور هائیتی زلزله ای به وقوع پیوست و چندکشور قدرتمند دنیا و سازمان ملل برای امدادرسانی به آنجا اعزام شدند ، دفتر برنامه جهانی غذا سازمان ملل متحد(WFP) اعلام کرد که با تلاش های زیادش نیم میلیون وعده غذا برای زلزله هائیتی اهدا کرده است.همچنین ارتش ایالات متحده منابع عظیمی از آژانس های فدرال را فراهم کرد و اعلام کرد که در مدت ۵ ماه بعد از این فاجعه ۹/۴ میلیون وعده غذایی به اهالی هائیتی تحویل داده شده است .

چنانچه میانگین روزهایی را که کشور عراق برای مراسم اربعین تجهیز می شود از ۱۰صفر تا ۲۱ صفر در نظر بگیریم و جمعیت حاضر در این مراسم را طبق آمار اعلامی کشور عراق محاسبه کنیم به عددی حدود ۵۰ میلیون وعده غذایی در هر روز و مجموع ۷۰۰ میلیون وعده غذایی در ۱۲روز مراسم اربعین خواهیم رسید که رایگان پذیرایی می شوند و این اعداد را مقایسه کنید با وعده های اهدایی آمریکا و سازمان ملل در زلزله هائیتی که با وجود امکانات فراوان و کمک های بین المللی صورت گرفته است تا گوشه ای از عظمت پیدا شود.

۱-once o f the wolrds biggest & most dangerous pilgrimages is underway / the INDEPENDENT Friday ۱۲ Dec ۲۰۱٤

۲- The HUFFINGTON POST ۱۲ dec ۲۰۱٤

آیا این ۷۰۰ میلیون وعده غذایی را ارتش های قدرتمند با آژانس های فدرال یا سازمان ملل تهیه کرده است یا فقرا و کشاورزان و خیرین عراقی و غیر عراقی؟

این مطالب فقط جنبه بیرونی و مادی مراسم پر شکوه اربعین را بیان می کند ولی مراد ما چیزی فراتر از این تصورات است و آن شناخت اسباب معرفت افزایی زمان ظهور توسط برخی شاخص های اربعین است

وقتی خداوند متعال از جهاد حرف می زند آن را یک امر مقدس می شمارد ، به طوری که جهاد را در راه خودش مقدس می داند و خطاب شریفش را برای جهاد متوجه مومنان می گرداند و در آیات مقدس تاکید فراوان نموده است از جمله آیات شریف (**وَجاهِدُوا فِی سَبِیلِهِ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ / مائده ۳۵**) و (**إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ / انفال ۷۲**) و (**إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَ الَّذِینَ هاجَرُوا وَ جاهَدُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ أُولئِکَ یَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِیمٌ / بقره ۲۱۸**) و در آیات دیگری که مومنان مخاطب آیه هستند و تمام این موارد نشان از اهمیت جهاد دارد.

اما خداوند متعال یک جهاد را نسبت به دیگر مجاهدت ها ممتاز کرده به آن اهمیت داده است و از آن به عنوان جهاد اکبر نام برده و به رسول الله (صلوات الله علیه و آله) پیشنهاد فرموده است که با کمک آن به مقابله با دشمنان برود زیرا جبهه ی مقابل رسول خدا روحی فداه شامل مخالفانی است که در پوشش های مختلف علیه ایشان فعالیت می کنند و با ابزارهای شیطانی قصد منحرف کردن مسیر حق را دارند لذا رسول خدا (صلوات الله علیه و آله) باید با یک سلاح کامل و محکم به میدان بروند و چه سلاحی محکم تر از قرآن شریف که خداوند متعال آن را ستوده است و فرموده است اگر می خواهی جهاد کنی با یک جهاد فرهنگی علیه دشمنان ایستادگی کن زیرا دشمنان تو دو قسم هستند ، دشمنی که ظاهر است و هنگامی که در میدان جنگ می آیند عیان هستند و تکلیف آنها معلوم است و قسم دوم که از نوع اول خطرناک تر هستند ، دشمنانی در لباس دوست هستند و قرآن کفایت می کند که برای مقابله با هر نوع دشمنی از آن استفاده کنید ، فلذا سوره مبارکه فرقان آیه ۵۲ یک شاخص مهم را بیان می فرماید:

فَلَا تُطِعِ الْکَافِرِینَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا کَبِیرًا (پس ازکافران اطاعت مکن و باقرآن با آنان به جهادی بزرگ بپرداز)

در تئوری های فرهنگی و مدیریتی نیز ثابت شده که حرکت های نرم و فرهنگی می تواند یک بستر خوب و قوی برای تحقق اهداف ایجاد کند و با بسترسازی مناسب می توان به جریان سازی مناسب و مستمر رسید.

وجود مبارک امام حسین علیه السلام نیز به عنوان عدل النبی مخاطب این آیه می باشند که با علم الهی و ولایت مطلقه حتمیه از روش های فرهنگی و نرم بسیار استفاده کردند که اثرات کوتاه مدت و بلند مدت آن تبدیل به درسهای عاشورا شده است ، به عنوان مثال برپایی نماز جماعت(نماز خوف که در دو رکعت اقامه می شود و متاسفانه مشهور شده که امام حسین علیه السلام برای نماز کشته شده است) در میدان کارزاری که به ایشان تحمیل شد و یا شروع خطبه های طوفانی ایشان با ایراد شهادتین و بیان ارتباط نسبی و سببی به صاحب دین و یا به میدان بردن رضیع اکبر حضرت علی اصغر علیه السلام ، همه در راستای خنثی کردن عملیات روانی دشمن و اخبار کذب بود که ایشان را خارجی از دین و قیام کننده(مطلب اشتباه دیگری که نیز مشهور شده این است که می گویند حضرت امام حسین علیه السلام قیام کردند و از بیان حضرت به خروج ، قیام را استنباط کردند) برای حکومت معرفی کرده بودند.

همانطور که اولیای خدا از این روش ها سود بردند ، شیطان نیز از این ابزار بهره می برد و با راه اندازی جریان های فرهنگی و نرم غیرالهی در مقابل خداوند متعال می ایستد که در ادبیات قرآن کریم به خطوات شیطان معروف شده است و آن را وسوسه ی نرم و فرهنگی ابلیس می داند لذا در قرآن شریف سوره بقره آیات ۱۶۸ و ۲۰۸ فرموده است که از این ابزار شیطان پیروی نکنید :

يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ / يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ.

پر واضح است که این خطوات جای پای معمولی نیست بلکه همان مکرهای شیطان است که بسیار خطرناک است زیرا از ورود شما به حصن حصین معصوم جلوگیری می کند و مانع " ادخلو فی السلم کافه " **(عن ابی جعفر علیه السلام فی قول الله عزوجل : یا ایها الذین امنوا ادخلوا فی السلم کافه ... فی ولایتنا و السلم هم ال محمد صلوات الله علیه و امر الله بالدخول فیه تفسیر عیاشی)** می گردد و خود شیطان نیز بابت این خطوات هیچ گونه مسولیتی را به عهده نمی گیرد(سوره مبارکه ابراهیم ۲۲ وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ . وَمَا كَانَ لِيَ عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي . فَلَا تَلُومُونِي وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ .مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ) و خداوند متعال در آیه شریفه فرموده خطوات شیطان منجر به اطاعت او می شود و او با مطیع کردن شما ، امر به فحشا و منکر می کند إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (بقره ۱۰۹) .

در دوران یتیمی جهان یعنی بعد از غیبت کبری تلاش شیطان و حزب شیطان برای ریشه کن کردن نهال تشیع چندین برابر شد و در هر دوره یک نماینده شیطان حضور دارد که گاهی در لباس انسان به دشمنی باحجت خدا پرداخته است ، دجال و دجالیه که نماینده شیطان در آخر الزمان هستند در عصر ظهور از یک جریان فرهنگی و جنگ نرم برای ترویج فساد استفاده می کنند ، شعائر شیطان مقابل شعائر الله قرار گرفته است و برخی نحله ها و مکاتب انحرافی با نماد ها و شعائر ساختگی یک بستر فرهنگی ایجاد کردند تا پیروان خود را سازماندهی کنند مثل تجمع و راهپیمایی عشق رنگی(مخصوص هم جنس بازها) که در سراسر اروپا و اسرائیل رواج دارد یا همایش های ضد ادیان الهی مثل کنسرت ها و گردهمایی های شیطان پرستان که هرساله به بهانه اثبات هویت برگزار می گردد.

یک قاعده عقلی می گوید هرچیزی که ارزشمند باشد و اقبال عمومی داشته باشد مورد توجه جاعلان قرار می گیرد و کپی و تقلبی آن را عرضه می کنند تا قدرت تشخیص را از افراد سلب کنند و ولیجه ها را الگوی آنها قرار دهند تا مسیر هدایت را پیدا نکنند ، شیطان نیز با همین قاعده در مقابل شعائر الله ، مشابه جعلی آن شعائر ابلیس را ایجاد کرد تا نوعی همسان سازی ایجاد کند و مقابل خداوند " انداد " را ایجاد کند به همین دلیل خداوند متعال در سوره مبارکه بقره آیه ۱۶۵ به چنین مطلبی اشاره فرمودند و به ما هشدار دادند که در مقابل رب متعال و خلفای بر حق او دنبال دکان و دستگاه نباشیم : وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا.

اگر به وقایع عصر ظهور و قیام پر برکت منجی عالم و خورشید پر فروغ بشریت دقت کنید و در آیات و روایات تدبر کنید ، تحول عظیم دنیا در عصر ظهور را خواهید شناخت که یک حکومت الهی باید با مقدماتی فراهم شود و معصوم در راس این حکومت امور آن را مدیریت کند.

یکی از این مقدمات شناخت مردم است، مردم باید از اهداف و فواید و آثار تشکیل چنین حکومتی مطلع باشند تا کمترین زمان و هزینه را متوجه خود و قیام معصوم کنند.

همانطور که در روایت فرموده وجود مقدس صاحب العصر و الزمان روحی فداه با کتب هر دینی با آنها احتجاج می کنند و در یک حرکت حساب شده با اقتدای حضرت مسیح علیه السلام به ایشان در نماز باشکوه ظهور لشکر مسیحیان به حضرت ایمان می آورند(**روایات شیعه واهل سنت، استفاده می‌شود که هنگام خروج حضرت مهدی علیه‌السلام، حضرت عیسی علیه‌السلام از آسمان فرود آمده، در نماز به امام زمان اقتدا خواهد کرد.**

بخاری به سند خود از رسول خدا صلوات الله علیه و آله نقل می کند : کیف انتم اذا نزل ابن مریم فیکم و امامکم منکم؛ چگونه‌ای زمانی که فرزند مریم فرود آید، درحالی‌که امام بر شما فردی از خودتان است (صحیح بخاری، ج۴، ص۱۴۳) و نیز در منابع حدیثی

شیعه، از امام باقر علیه‌السلام نقل شده است :القائم منصور بالرعب مؤید بالنصر، تطوی له الارض و تظهر له الکنوز و یبلغ سلطانه المشرق و المغرب و یظهر الله عزوجل به دینه و لو کره المشرکون. فلا یبقی فی الارض حزاب الّا عمر و ینزل روح الله عیسی‌بن‌مریم فیصلی خلفه

قائم توسط ترس یاری و به نصرت تأیید می‌شود. زمین برای او خواهد چرخید و گنج‌ها برای او ظاهر خواهد شد و سلطنتش مشرق و مغرب عالم را فرا خواهد گرفت. خداوند عزوجل به واسطه او دینش را ظاهر می‌کند، هر چند که مشرکان برآن کراهت داشته باشند. در آن هنگام در زمین جای خرابی نیست جز آنکه آباد شود و روح‌الله عیسی بن مریم فرود می‌آید و پشت سر او اقامه نماز خواهد کرد (مجلسی، بحارالانوار، ج۵۲، ص۱۹۱)

مقدمات عصر ظهور منجر به شناخت و معرفت به منجی می شود و اعتقاد به منجی به طور فطری در تمام انسان ها وجود دارد زیرا خداوند ما را بر اساس فطرت خلق فرموده: فِطْرَتَ اللّهِ الّتِی فَطَرَ النّاسَ عَلَيْهَا (رم ایه ۳۰) و اگر به تفسیر روایی در تفسیر شریف البرهان ذیل ایه مراجعه کنیم فرمودند که : " فاقم وجهک للدین حنیفا یعنی الولایه و فطرت الله التی فطر الناس علیها یعنی التوحید " (الکافی ۱۰/۲:۲) و یا فرمودند این فطرتی که براساس آن خلق شدیم اقرار به توحید و ولایت همزمان است ، " هی لا اله الا الله و محمد رسول الله و علی امیرالمومنین ولی الله الی هاهونا التوحید" (البرهان ذیل ایه ۳۰رم) لذا فطرت ما ولی پذیر است اگر ولیجه ها را بعنوان ولی نگیریم و با حجاب آلوده نشود یا.(**در زیارت جامعه می خوانیم وَ أَبرءُ إلی الله مِن کُلِّ وَلِیجَةٍ دُونَکُم و یا در دعای شریفی در روز غدیر می خوانیم وَرَضینا بِهِمْ اَئِمَّةً وَقادَةً وَسادَةً ، لا نَبْتَغی، بِهِمْ بَدَلاً وَلا نَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِمْ وَلیجَةً ، ما غیر از اهل‌بیت هیچ ولایجی را (ولیجه‌هایی) را نمی‌پذیریم.**

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: أُطلُبُ العِلمَ مِن مَعدِنِ العِلم وَ إیَّاکُم وَالوَلائِجَ فَهُم اَلصَّدّادونَ عَن سَبِیل الله ، علم را از آن منشأ ناب و خالصش بگیرید که طبیعتاً از اهل‌بیت عصمت و طهارت هستند، معدن علم کجاست؟ ما خطاب به اهل‌بیت می‌گوییم که شما معدن علم هستید. بعد می‌فرماید «إیَّاکُم وَالوَلائِجَ» مواظب باشید کسی تعیین کنندهٔ معرفت برای شما نشود. اینها " صَدَّ عَن سَبیل‌الله " می‌کنند)

ما در بسیاری از روایات و تفاسیر و آیات خوانده ایم وشنیده ایم که در زمان ظهور دنیا متحول می شود و یک حکومت الهی تحت امر ولی الله الاعظم بر جهان حاکم می شود و دنیا مدینه فاضله موعود می شود و ابلیس و جنود او در بیت المقدس گردن زده می شوند، این وعده محقق خداوند است که ابلیس نیز از آن با خبر است (قَالَ فَإِنّکَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَی يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ص آیه ۸۰-۸۱) لذا ابلیس و جنود او از ظهور و زمان ظهور متنفر هستند و تمام تلاش خود را می کند تا ظهور را به تاخیر بندازند پس هر عملی که موجب اخلال یا تحریف و تغییر در مسیر و زمان ظهور شود موجب خشنودی شیطان است و عملی شیطانی است.

اگر یک نگاه اجمالی به سیر وقایع جهان بندازیم متوجه می شویم که دنیا با رشد فزاینده ای در حال انحطاط است و لشکر شیطان با تمام توان در حال ایجاد شکاف و انحراف بین بنده و خالق می باشد.

هر روز اخبار ظهور یک نحله و فرقه جدید و یک مکتب انحرافی و یا ضدیت با ادیان الهی به گوش می رسد و فقط در کشوری مثل ایران بیش از ۳۰۰ فرقه انحرافی در حال فعالیت هستند و هر کدام مروج یک نوع تفکر می باشند یا در کشور ایتالیا که مرکز مذهبی مسیجیت و محل پاپ خیز واتیکان در آن قرار دارد حدود ۶۰۰ گروه شیطان پرستی در حال فعالیت هستند(دائرالمعارف اسلام پدیا / جهان تاریک – حمید کریمی ص ۵۹)

و این سوال مهمی است که چرا ابلیس با اینکه می داند وعده خدا محقق می شود و منجی خواهد آمد و ظهور در پیش است اینطور به تلاش خود ادامه می دهد؟

بدون شک ابلیس در حال پرورش نفوس انسان هاست ، همان نفس اماره که خودش نائب شیطان در هر بنده ای است. همان نفسی که در صحنه محشر ابلیس با آن به مخلوقات مهاجه می کند و می گوید من فقط پیشنهاد دادم شما چرا قبول کردید و من هیچ گونه جبری برای شما نداشتم(وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِيَ عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُومُونِي وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

و چون حکم (قیامت) به پایان رسید (و اهل بهشت از اهل دوزخ جدا شدند) در آن حال شیطان (برای نکوهش و تمسخر کافران) گوید: خدا به شما به حق و راستی وعده داد و من به خلاف حقیقت شما را وعده دادم و خلف وعده کردم و بر شما برای وعده دروغ خود هیچ حجت و دلیل قاطعی نیاوردم و تنها شما را فراخواندم و شما اجابتم کردید، پس (امروز شما ابلهان که سخن بی‌دلیل مرا پذیرفتید) مرا ملامت مکنید بلکه نفس (پر طمع) خود را ملامت کنید، که امروز نه من فریادرس شما خواهم بود و نه شما فریادرس من توانید بود، من به شرکی که شما به (اغوای) من آوردید معتقد نیستم، آری (در این روز) ستمکاران عالم را عذابی دردناک خواهد بود)

بله شیطان که خودش از ظهور نا امید شده است به فردای بعد از ظهور فکر می کند و به آن ایام که بندگان با نفس اماره مقابل امام عصر خود قد علم کنند.(**امیرالمومنین علیه السلام ضمن رواتی طولانی از بیعت شیطان به عنوان اولین نفر با غاصب اول فرمودند که شیطان گفت : شما خیال کردید که مرا بر ایشان راهی نیست، اکنون دیدید من با آنها چه کردم تا سرانجام دستور خداوند و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را رها کردند روضه کافی و الاحتجاج، ج ۱ ص۱۰۵ و کتاب سلیم بن قیس، ص ۷۸)**

یاد داستانی از ابن ابی العوجا افتادم که وقتی خواستند او را گردن بزنند گفت: بیش از ۴۰۰۰روایت جعلی در دین شما(منابع روایی اهل سنت) وارد کردم و این مرا کفایت می کند و کشتن من فایده ای برای شما ندارد.(قاموس الرجال / ابن اثیر الکامل ۵۷:۶) و این نشان می دهد شیطان و جبهه شیطان حتی با علم به نابودی خود دست از هدف برنمی دارند و یک فرهنگ و بستر توحید ستیز را پایه ریزی می کنند.

نکات ناب و ارزشمند را در مکتب عاشورا می توان احصا کرد که وجود مبارک سید الشهداء چگونه شاه کد می دهند و جریان سازی می کنند ، در شب عاشورا وقتی وجود مقدس سیدالشهداء با اصحاب خلوت کردند و بیعت را برداشتند و آنان که باید می رفتند ، رفتند و سره از ناسره جدا شد ، با مخلصین خود یک کلام نورانی بیان کردند:

و فرمودند: أَمَّا بَعْدُ، فَإِنِّی لَا أَعْلَمُ أَصْحَابًا أَوْفَی وَلَا خَیراً مِنْ أَصْحَابِی (ارشاد مفید ص ۲۵۰/ بحار جلد ۴۴ ص ۳۹۲)

اگر روایت شریف را بررسی دقیق کنیم به ۳ موضوع خواهیم رسید :

اول : علم سید الشهدا علیه السلام علم لدنی و علم حضوری است و احاطه بر تمام عوالم و زمان ها دارد (امام باقر علیه الاسلام فرمود : لَوْ لَا آیَةٌ فِی کِتَابِ اللهِ لَأَخْبَرْتُکُمْ بِمَا کَانَ وَ بِمَا یَکُونُ وَ مَا هُوَ کَائِنٌ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَةِ) و ایشان خطاب به خویش فرمودند: اعلم هستم به این بیان که اصحاب من اوفی و خیرا هستند و این علم حضرت و مصداقش تا قیامت را مشمول می شود لذا از این جهت هیچ کس قابل قیاس با اصحاب کربلا نیست و این بزرگواران تا قیامت تاجدار هستند.

دوم: ایشان از اسم تفضیل استفاده کردند اوفی یعنی برتر از وفا و ابر یعنی برتر از " بِر " ، در ادبیات عرب ما یک قاعده ای داریم برای بیان برتری یک چیز نسبت به چیز دیگر یا بیان کم تر و زیادتر بودن صفتی در یک فرد یا یک شیء نسبت به دیگری در جمله ذکر می شود که اگر از فعل ثلاثی مجرد ساخته شود بر وزن «أفعَل» می آید مثلا که اگر بخواهیم در مورد یک صفت مشترک در بین آدم ها حرف بزنیم اگر از آن صفت که در دیگران مشابه است یک نفر ممتاز باشد باشد برای برتری از اسم تفضیل استفاده می کنند مثل خوب و خوبتر ، اگر علی و زید هر دو خوب باشند ولی علی در اوصاف برتر از زید باشد برای علی از اسم تفضیلی "بهتر " استفاده می کنیم.

البته در این روایت شریف برای اهل بیت از لفظ " ابر" استفاده شده است ولی در یک قرائت دیگر برای اصحاب کربلا نیز از لفظ " ابر " استفاده شده است لذا اگر بخواهیم درک بهتر و دقیقی از ابر، داشته باشیم باید به قرآن مراجعه کنیم .

در سوره مبارکه بقره آیه ۱۷۷ ویژگی های " بِر " بیان شده است.

لَیسَ الْبِرّ أنْ تُوَلّوا وُجُوهَکُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ لکِنّ الْبِرّ مَنْ آمَنَ بِاللّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلائِکَةِ وَ الْکِتابِ وَ النّبِیّینَ وَ آتَی الْمالَ عَلی حُبّهِ ذَوِی الْقُرْبی وَ الْیَتامی وَ الْمَساکِینَ وَ ابْنَ السّبِیلِ وَ السّائِلِینَ وَ فِی الرّقابِ وَ أقامَ الصّلاةَ وَ آتَی الزّکاةَ وَ الْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إذا عاهَدُوا وَ الصّابِرِینَ فِی الْبَأساءِ وَ الضّرّاءِ وَ حِینَ الْبَأسِ أولئِکَ الّذِینَ...

اصحاب کربلا اگر ابر شدند چون مافوق " بر " بودند ، امام سجاد علیه السلام می فرمایند : لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون (آل عمران /۹۲) و چه چیزی محبوب تر از جان و زن و بچه بود که انها بذل کردند و به خیر نخواهید رسید مگر اینکه آنچه دوست دارید انفاق کنید (بحار الانوار جلد ۴۶ ص ۱۰۶).

سوم: خاصیت وجود امام حسین علیه السلام کیمیا سازی است و اکسیر اعظم است و اسوه سازی می کند و خطاب این روایت شریف مطلق است و محصور در زمان و مکان نمی باشد چون علم امام ، محصور در زمان و مکان نیست لذا تا روز قیامت اوفی و ابر از اصحاب کربلا نخواهد آمد و اصحاب منجی عالم نیز که مشهور به ۳۱۳ استوانه عظیم هستند به مانند اصحاب کربلا نخواهند شد پس یک ویژگی خاص در امام حسین علیه السلام نهفته است که موجب متعالی شدن اصحاب شده است و این همان امتیاز وتر الموتوری سید الشهداست.

اگر به این فراز عظیم از زیارت عاشورا دقت کنیم فرموده اند: السلام علیک یا ثارالله و ابن ثاره و الوتر الموتور و درک این جمله از فهم بشری خارج است مگر اینکه بخواهد شعاعی از آن را بفهمد و دنبال ظاهر بگردد.

برای یک اشاره کوچک ثار را در ثارالله معنا می کنیم تا گوشه ای از این عظمت درک شود.(البته طبق متن زیارت عاشورا ، امیرالمومنین نیز ثارالله هستند ولی موضوع بحث ما مربوط به سید الشهدا می باشد)

ثارالله به این معناست که خون بهایی امام حسین علیه السلام، متعلق به خداست و او کسی است که خون بهای امام حسین علیه السلام را خواهد گرفت و او منتقم است و تنها کسی که از اول خلقت تاکنون به این لقب از طرف خداوند مفتخر گشته وجود نازنین قطب عالم امکان حضرت بقیه الله الاعظم است.

ثار از ماده «ث أ ر» است (که همزه به الف بدل شده است). ثأر در لغت به معنای خونخواهی و طلب‌کردن خون مقتول است و جمله «ثأرتُ فلاناً بفلانٍ» به معنای کُشتنِ قاتل برای انتقام خون مقتول است و اولویت معنایی آن برای کسی که مظلوم و تنها کشته شده است (الطریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۲۳۷، معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۱۱۸۵، لسان العرب؛ معجم الوسیط؛ معجم رائد؛ ذیل ثأر)

همان گونه که ابن قولویه در زیارت هفدهم و بیست و سوم امام حسین علیه السلام این فقره را نقل می‌کند :

وإِنَّکَ ثارُ اللَّهِ فِی الأَرضِ وَ الدَّمُ الَّذی لا یُدرِکُ تَرَتَهُ أحَدٌ مِن أهلِ الأَرضِ وَ لا یُدرِکُهُ اِلاَّ اللَّهُ وَحدَهُ (کامل الزیارات، ص۶۸۳) تو خونِ خدا در زمینی، همان خونی که هیچ یک از اهل زمین -مگر به وسیله اولیایش- انتقام آن را نمی‌تواند بگیرد، و جز خداوند نمی‌تواند خونخواهی او را بنماید.

برخی گفته‌اند «ثار» نمی‌تواند به معنای خونخواهی (طلب خون) باشد، زیرا در این صورت معنای ترکیب «أنْ یَرْزُقَنی طَلَبَ ثارِکَ- که در زیارت عاشورا آمده‌است- چنین خواهد شد: أنْ یَرزُقَنی طَلَبَ طَلَبَ دَمِکَ، که بی‌معناست که ما در پاسخ می گوییم رسمی در عرب و در هر قبیله معمول بوده است که اگر کسی از این قبیله کشته می‌شد، تمام افراد آن قبیله خود را صاحب خون می‌دانستند و هر فردی از قبیله قاتل را می دیدند می‌کشتند کلمه ثار نیز به همین معنا است که همه مومنان باید خونخواه خون مطهر سید الشهدا باشند.(میرزا ابوالفضل بن ابوالقاسم طهرانی، شفاءالصدور فی شرح زیارة العاشور، تهران ۱۳۷۶ ش، ص ۱۶۳-۱۶۴)

وَلَا تَقْتُلُوا النّفْسَ الّتِی حَرّمَ اللّهُ إِلّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لِوَلِیِّهِ سُلْطَانًا فَلَا یُسْرِفْ فِی الْقَتْلِ إِنّهُ کَانَ مَنْصُورًا.

پس متوجه شدیم ثار به معنای خون مظلوم است ولی این خون یک معنای لغوی نیست بلکه یک عظمت است و خداوند علاوه بر اینکه خودش منتقم خون او شده است یک ولی الله الاعظم را نیز که امام منصور است منتقم او قرار داده است و به تمام مومنین نیز مجوز خونخواهی داده است تا اینطور عظمت کبری سید الشهدا بر همگان هویدا شود و بلافاصله بعد از ثارالله از وتر الموتور استفاده کرده است که این وتر الموتور یک تشبیه اضافی است که در ظاهر یعنی تنها و واحد ، ولی در اصل وقتی کنار ثارالله می آید یک جمله بی نظیر است که امام حسین علیه السلام استثنا عالم امکان می شود و اگر اهل تحقیق به دنبالش بروند متوجه می شوند که برخی امور مربوط به سید الشهدا در فقه و احکام و قوانین ، منحصر و مستثنی از امور دیگر است.

علامه مرحوم مجلسی در مورد ثار الله و الوتر الموتور نوشته است :

وتر الله ای الفرد المتفرد فی الکمال من نوع البشر فی عصره الشریف او المراد ثار الله ای الذی الله تعالی طالبُ دَمِه و الموتور قتیلٌ له، قتیلٌ فلم یدرک بدمهِ(مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، موسسه الوفا، چاپ دوم، ۱۴۰۳، ج۹۸، ص۱۵۴)

یعنی فردی که از لحاظ رسیدن به کمال در دوران خویش یگانه و بی همتاست، و یا مراد از آن همان ثار الله است که به معنی کسی است که طالب خون او خداوند است، و موتور به معنای کشته شدن در راه خداوند و کشته شده‌ای است که انتقام خونش را نگرفته باشند

خداوند متعال در مقابل امام حسین علیه السلام خیلی چیزها را اختصاص زده است و هرچیزی که به امام حسین علیه السلام وصل شود عظیم می گردد و برخی از آنها را از قواعد شرعی و عرفی خارج کرده است و این می شود وترالموتور.

مثلا جزع و فزع مکروه است ولی در عزای حسینی جایز و مستحب است (امام صادق علیه السلام می فرمایند: «کل الجزع و البکا مکروه سوی الجزع و البکا علی الحسین علیه السلام بحار الانوار- ج ۷۴ صفحه ۱۷۶)

مثلا خوردن خاک حرام است ولی در مقام استحباب و استشفا خوردن تربت نه تنها جایز است بلکه مستحب نیز می باشد(عن الصادق علیه السلام قال الطین حرام کلحم الخنزیر و من اکل الطین فمات لم اصلّ علیه الاّ طین قبر الحسین علیه السلام تهذیب الاحکام: ج ۶ ، ص ۷۴ ، امام صادق علیه السلام فرموده اند: خاک حرام است مانند گوشت خوک و کسی که خاک بخورد و بمیرد من بر او نماز نمی گذارم مگر خاک قبر امام حسین علیه السلام)

از این نوع استثنائات در فقه و احکام و اخلاق و آداب نمونه بسیاری می توان بیان کرد و شاهد مثال آورد تا اثبات کنیم که وجود مقدس سیدالشهدا استثنای عالم امکان هستند.

از خلاصه بحث ثارالله و الوتر الموتور به نکات زیر خواهیم رسید که:

- کسی که خداوند انتقام خونش را از قاتلانش به وسیله مولانا صاحب العصر و الزمان روحی فداه خواهد گرفت(من سفک فی طاعۀ الله دمه و یطلبه الله بالقائم و أصحابه صلوات الله علیه)
- کسی که خونبهایش متعلق به خداست و او خون بهایش را می‌گیرد. یعنی او متعلق به یک خانواده یا قبیله یا ملت نیست که خونبهایش را رئیس خانواده یا قبیله یا کشور بگیرد، بلکه متعلق به جهان انسانیت است و شهید راه خداست و خونبهای او ر ا خدا باید بگیرد (یا ثار اللّه بالثاء المثلثۀ و الهمزۀ بمعنی

طلب الدم حذف المضاف و أقيم المضاف إليه مقامه يعنى يا أهل طلب الدم أى تطلبون بدمكم من اللّه أو يطلب اللّه بدمكم /الوافى، ج۱۴، ص ۱۴۸۹) و(الثأر بالهمز الدم و طلب الدم أى أنک أهل ثار الله و الذى يطلب الله بدمه من أعدائه بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۱۵۰، ذيل ح ۱)

هدف ما از بیان این مطلب اشاره به یک موضوع است و آن عظمت و شان بی همتای ارباب عالمین وجود مقدس سیدالشهدا و تذکر به منتقم خون پاکش که اگر خواهان حسینی شدن هستیم باید اول مهدوی شویم.

گاهی این استثنائات توسط شارع مقدس (معصوم) با نص صریح امضا شده و گاهی در طول تاریخ بدیع است و به تائید غیر مستقیم امام عصر علیه السلام می رسد و یک سنت مستمره می گردد و نیازی هم نیست که آن عمل به زمان معصوم برسد بلکه اگر رضایت معصوم در آن مشهود باشد کفایت می کند ، مانند مراسم پیاده روی اربعین که هرساله به فضل خدا و با عنایت امام عصر روحی فداه بر شکوهش افزوده می گردد.

برخی از روایات حضرت مهدی را "صاحب التدبیر" معرفی کرده اند. صاحب تدبیر کسی است که با همه تدبیر ها در هر گوشه عالم و در هر نقطه تاریخ همراهی دارد و آغاز و انجام و پنهان و آشکار آن را می داند و امور عالم را مدیریت می کند.

قال زین العابدین (علیه السلام): لا تخلو لأرض الی ان تقوم الساعۀ من حجۀ، و لو لا ذلک لم یعبدالله(کمال الدین و اتمام النعمة ص ۳۳۰)

حضرت امام زین العابدین علی بن حسین علیه السلام فرمود: زمین تا قیام قیامت خالی از حجت نمی ماند و اگر چنین نباشد خدا پرستش نشود.

اگر حجت خدا بر روی زمین راضی به فعلی عبادی نباشد انجام آن توسط مخلوقات محال می گردد و اگر عنایت امام زمان که منتقم خون سیدالشهدا است بر این مراسم باشکوه نباشد هرساله شاهد تعالی آن نخواهیم بود.

همانطوری که در ابتدای موضوع بیان شد اربعین از حیث امور مادی نیز دارای استثناء و امتیاز ویژه ای است و از طرفی با نتیجه گیری از بحث های مطروحه می توان گفت که این حرکت عظیم یک شناسنامه هویتی برای شیعه و ان شاء الله عصر ظهور خواهد بود.

وقتی وجود مبارک امام عصر علیه السلام ظهور می کنند با تکیه بر دیوار بیت الله الحرام کعبه مقدسه ۵ ندای عالم گیر را فریاد می زنند و از لبان مبارکشان نور می بارد.

در کتاب إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب(عجل الله فرجه) نوشته علی حایری یزدی (متوفای ۱۳۲۳ هـق)، جملاتی را از کتابی با نام «الموائد «این‌گونه نقل می‌کند:

زمانی که حضرت قائم(عجل الله تعالی فرجه) ظهور می‌کند، [کنار کعبه] ما بین رکن و مقام می‌ایستد و پنج ندا می‌دهد:

الأول: ألا یا أهل العالم أنا الإمام القائم ؛ آگاه باشید ای جهانیان که منم امام قائم.

الثانی: ألا یا أهل العالم أنا الصمصام المنتقم ؛ آگاه باشید ای اهل عالم که منم شمشیر انتقام گیرنده.

الثالث: ألا یا أهل العالم إن جدّی الحسین قتلوه عطشان ؛ بیدار باشید ای اهل عالم که جد من حسین را تشنه کام کشتند.

الرابع: ألا یا أهل العالم إنّ جدّی الحسین علیه السّلام طرحوه عریانا ؛ بیدار باشید ای اهل عالم که جدّ من حسین را برهنه روی خاک افکندند.

الخامس: ألا یا أهل العالم إنّ جدّی الحسین علیه السّلام سحقوه عدوانا ؛ آگاه باشید ای جهانیان که جدّ من حسین را از روی کینه توزی پایمال کردند

در عبارات بالا اگر با دقت ، تعمق کنید متوجه خواهیم شد که ۳ عبارت از ۵ جمله ی نورانی ایشان که برای اهل عالم به منزله معرفی و شناسنامه این دعوت است ، اختصاص به امام حسین علیه السلام دارد.

چرا امام عصر روحی فداه با این عبارات خودشان را معرفی می کنند؟

برای پاسخ باید بگوییم به همان دلیل که سیدالشهدا در جریان صحرای کربلا و امام سجاد علیهم السلام در مجلس یزید ملعون خود را با انتساب به رسول الله معرفی کردند.

امام عصر با این معرفی حجت را تمام می کنند زیرا در عصر ظهور ، امام حسین علیه السلام جنبه بین المللی پیدا کرده و پیاده روی اربعین ویترین شیعه گشته است و در حال حاضر یک نگاه به افکار عمومی یا رسانه ها بیندازید متوجه خواهید شد که مراسم اربعین موجب شگفتی همگان شده است و خودش یک مقتل خوانی جهانی گشته است.

امام عصر اگر خودشان را با این جملات شریف معرفی می کنند پس باید به قاعده عقلی مردم دنیا شناختی از جد بزرگوار ایشان داشته باشند. و یا عظمتی در این انتساب باید نهفته باشد که نزد همگان آشکار گشته است لذا اگر به روایات شریف توجه کنیم یک موضوع باعث شگفتی خواهد شد

امام حسن عسگری علیه السلام فرمود: نشانه های مومن ۵ چیز است

عن الامام العسکری - علیه السلام - :علامات المؤمن خمس: صلاة الخمسين و زيارة الأربعين و التختم فی اليمين و تعفيرالجبين و الجهر ببسم الله الرحمن الرحيم (وسائل الشيعة، ج ۱۰، ص ۳۷۳)

امام حسن عسکری - علیه السلام – فرمودند : مؤمن پنج نشانه دارد: اقامه پنجاه رکعت نماز (مجموع واجبات و مستحبات)، زیارت اربعین، انگشتر در دست راست کردن، در سجده پیشانی بر خاک نهادن و بسم الله الرحمن الرحیم را(در نماز) بلند گفتن است

فرمودند نشانه ، نشانه یعنی علامت یعنی یک شاخص که با آن بتوان آدرس داد و یا جهت را پیدا کرد یا به هدفی رسید و یا تمیز داد آنچه را که از این نشانه ها بیرون است .

اگر به معنای شعائر دقت کنیم خواهیم دید که شعائر هم از شعیره می آید و آن هم یک نشانه است و در معنای لغوی یعنی پیراهنی که سخت به بدن چسبیده باشد و علامت شود(-مراجعه شود به کتاب رد القاطع علی مدعی الکراهه تالیف فریدون عاشورلو باب شرح شعیره)

امام در کلام شریف خود فرمودند مومن این نشانه ها را دارد و این یک شاه کلید است و اگر بخواهیم وارد این مقوله شویم در حوصله نگنجد ولی یک اشاره کافی است.

امام باقر علیه السلام فرمودند: بنا عرف الله و بنا وحد الله و بنا عبدالله و نحن باب الله و دربیانی دیگر
امیرالمومنین فرمودند: نحن الاصحاب و الشعائر و الایمان (کافی، ۱۴۵/۱؛ بحار الأنوار، ۱۰۲/۲۳)

چه بسیار افرادی که سال ها در گمراهی بودند و در سبیل شیطان رجیم طی طریق می کردند ولی با عنایت واتصال به سیدالشهدا متحول شدند و به سمت تعالی حرکت کردند و در صراط مستقیم الحق قرار گرفتند مانند زهیر و حر و وهب نصرانی و رسول ترک... به هر طریقی که به این خاندان کرم و معادن رسالت و سخا متصل شویم ، ذره هم اگر باشیم با لطف و عنایت ایشان اگر بخواهند می توانیم کار آفتاب کنیم. اربعین یک ظرفیت

فعال است و اگر ظرف قابل باشد باعث تعالی می گردد همانطور که میدانید فاعلیت فاعل موجود است و باید قابلیت قابل را ایجاد کنیم.

مراسم اربعین یک چالش است و یک جهاد فرهنگی عظیم که تذکراتی برای ظهور می دهد و یک نمونه کوچک آماری از دوران ظهور را به نمایش می گذارد همانطوری که در روایات فرمودند در عصر ظهور مردم به نیکی با یکدیگر رفتار می کنند و خشونت و فساد د رفع شده و مومنان به یکدیگر کمک می کنند تا غنی شوند و اگر شخصی کمک نیاز داشته باشد برادر مومن او به کمکش می رود تا حاجت او را برطرف کند و کار تا جایی پیش می رود که نیازمندی برای دریافت صدقه و زکات پیدا نمی شود.

مراسم اربعین یک وعده است یک الگو است و یک در باغ سبز است که انگیزه شود تا مردم متوجه ظهور شوند و فهم کنند که آن مدینه فاضله و رفاه و آسایشش با ظهور محقق می شود و در نهایت اعلی خود جهانیان متنعم می شوند در روایات بسیاری فرمودند که دنیا در عصر ظهور از نعمت ها فراوان می شود . پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: یظهر الله له کنوز الأرض و معادنها ، خداوند، گنج های زمین و معادن آن را برای امام مهدی روحی فداه ظاهر خواهد کرد (بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۳)

مراسم پر شکوه اربعین اصالت های مادی را به چالش می کشد و تمام اصالت های غیر الهی را بازیچه خود می کند. دنیای ماتریالیسم با نفی معنویت و ارزش های الهی ، اصالت را به شهوت و لذت(اپیکوریسم Epicureanism) و ثروت(ثروت گرایی یا توسل به برتری ثروت Argumentum ad crumenam) و سود (اصالت نفع یا یوتیلیتاریانیسم Utilitarianism) و غضب می دهد

مراسم اربعین اصالت شهوت را به چالش می کشد به طوری که در چنین ازدحام کثیری از دو جنس مخالف ، هیچ گونه اصطکاکی و گزارشی از مزاحمت برای نوامیس مردم وجود ندارد در یک مراسم و تجمع برخی رفتارهای منافی عفت دیده می شود و گاهی بانوان در معرض رفتارهای سوء قرار می گیرند ولی مراسم اربعین

چنان ابهتی و عنایتی دارد که فقط هدف مقدس آن جلوه گری می کند و آن هدف چیزی نیست جز زیارت سید الشهدا علیه السلام.

اصالت سود:

پراگماتیسم می گوید هرچیزی که به فرد یا جامعه سود و منفعت برساند حقوق است و چیزی که منفعت و سود نداشته باشد پذیرفتنی نیست.

جان استیوارت میل متفکر انگلیسی و پایه گذار تفکر لیبرالی فایده باوری یوتیلیتاریسم (Utilitarism) است.

همانطور که در آمار منتشره امده است در مراسم اربعین حدود ۷۰۰ میلیون وعده غذایی طی ۱۲ روز به رایگان به مردم اعطا می شود که هیچ گونه سازمان رسمی و دولتی آن را حمایت نمی کند و تمام هزینه ها توسط مردم میزبان از اصناف مختلف تهیه می شود ، افرادی که عموما قشر ضعیف جامعه هستند و این یک تضاد منافع صریح با اصالت سود است لذا مراسم اربعین اصالت سود مادی تفکر غرب را به چالش کشیده است.

اصالت لذت:

مرام اربعین اصالت لذت را نیز به چالش کشیده است ،در مکتب لذت گرایی ما چند شعبه داریم که هرکدام یک ویژگی دارد

لذت گرایی شخصی (اریستپوس)

لذت گرایی شخصی محدود اپیکوری

لذت گرایی در قالب نفع عمومی جرمی نبتا

لذت گرایی به صورت عاطمی آدام اسمیت

لذت گرایی شخصی عمل به قانون راسل

الف) لذت گرایی شخصی (اریستپوس) یا مکتب کورنایی یا سیرنایسیسم:

در مکتب لذت گرایی شخصی که موسس آن اریستیپوس شاگرد سقراط است می گوید:

هر یک از ما انسان ها باید به ندای طبیعت انسانی خویش گوش فرا دهد و به طبیعت خود رجوع کنیم اگر انجام کاری خوشایند طبیعت ماست و خوشی آور است یا خوشایند طبیعت ما نیست و رنج زا ؟ پس اولی را انجام

دهیم و دومی را انجام ندهیم (سیر حکمت در اروپا محمد علی فروغی ۱/۴۱)(تاریخ فلسفه یونان و رم ۱/۱۴۵ فردریک چارلز کاپلستون)

لذت بردن یک میل و خصیصه انسان است، انسان از خوردن و خوابیدن و نظافت و زیور خویش و معاشرت لذت می برد زیرا ملایم نفس است ولی در مراسم اربعین وجود شرایطی چون پیاده روی در گرد و خاک و خوابیدن در چادرهای خاکی و گاهی خیابان و در هوای سرو و خشک و گاهی آفتابی سوزان و نوشیدن آب با شرایط غیرایده آل و یا حضور در مکان های نامناسب مثل سوله و انبار برای رفع خستگی و خوردن غذاهای مختلف با در شرایط طبخ غیرمعمول و حتی نبودن امکانات کافی برای استحمام در پیاده روی طولانی که منجر به آبله زدن پا می شود و در دسترس نبودن شرایط رفاهی و گاهی شرایط جوی نا مناسب که تمام این موارد مخالف طبع و اصالت لذت است و بر اشخاص تحمیل می شود ولی چون ملایم نفس آنها است از آن لذت می برند و با تمام وجد تحمل می کنند چون احیای شعائر است.

از این مشکلات لذت می برند چون مواسات با خاندان رسالت است و از آن لذت می برند و این نقض مستقیم اصالت مکتب لذت گرایی است.

ب) مکتب لذت گرایی اپیکور

این مکتب نیز یک نتیجه حسی را بیان می کند و خودخواهی و خودگرایی را محور لذات می داند گرچه او عقل را دخیل در لذات می داند و لذت را در چیزی که در آن درد نباشد خلاصه می کند.

در حال حاضر در اروپا به اشخاصی که شکمباره و شرابخوار و اهل عشرت و عیاشی باشند اپیکوری می گویند (کلیات فلسفه ترجمه دکتر سید جلال الدین مجتبوی ص۲)

ج)**در مکتب سوم از اصالت لذت می گوید: لذت آن است که انجام عملی باعث منفعت همگانی شود.**(کلیات فلسفه ترجمه دکتر سید جلال الدین مجتبوی ۵۱-۵۲)

بر حسب ظاهر مراسم اربعین جز تحمیل هزینه های دولتی و کشوری و مختل کردن شرایط عادی برای مردم عراق منفعت دیگری ندارد ولی مشاهده می گردد که هر ساله دولت و ملت عراق از چنین مراسمی نهایت استقبال را دارند

د) مکتب لذت به شخصی گرایی در عمل به قانون راسل:

راسل کتابی دارد به نام جهانی که من شناختم که در فصل پنجم تحت عنوان اخلاق "تبو" یعنی عادات و رسوم جاهلانه می گوید:

لذت در اخلاق است و رئوس اخلاقی من عبارت از ایجاد هماهنگی بین منافع عمومی و خصوصی در اجتماع.

مثلا اگر انجام یک عمل برای یک شخصی مفید است ولی به همسایگان زیان می رساند و ایجاد مزاحمت برای همسایگان می کند باید همسایگان جمع شوند و مانع انجام عمل او شوند اگر از انجام عملی زیانی متوجه دیگران نشود دلیل نداریم که ارتکاب آن را محکوم کنیم ولی اگر باعث زیان یا آزار دیگران شود باید مانع شویم.

از تمام صاحب نظران چنین مکاتبی باید پرسید که مراسم عظیم اربعین چطور نافی اینگونه اندیشه هاست، در مدت برگزرای مراسم اربعین که حدود ۱۰ روز است(البته برخی شهرها از ۲۰روز قبل از اربعین شروع می کنند) سیستم حمل و نقل عراق مختل می شود و فقط اگر مسیر نجف اشرف به کربلای معلی را در نظر بگیریم طی یک مسیر ۸۰ تا ۸۵ کیلومتری که در روزهای عادی به آسانی و درزمانی معادل ۷۰دقیقه می باشد به ۷ الی ۸ ساعت تبدیل می شود. و یا استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی به خارج شهرها کشیده می شود و شاید تا ۵ کیلومتری شهرهای زیارتی امکان استفاده از وسایل نقلیه نباشد و مردم مجبور هستند این مسافت را پیاده طی کنند. وجود سیطره ها و بازرسی و تخلیه سرنشینان برای بازرسی در ورودی شهرها نیز خودش یک گرفتاری دیگر است

تمام این موارد تضاد منافع با قانون راسل دارد ولی ملت عراق نه تنها این مشکلات را قبول کردند بلکه برای آن به عنوان یک ضامن سلامتی و ایمنی زائران و مهمانان کشور خود از حوادث ، اهمیت و احترام قائل هستند و حتی یک گزارش از نارضایتی مردم عراق در رسانه ها و یا فضای مجازی منتشر نمی گردد

آنان تمام این گرفتاری ها و زحمات را با جان و دل قبول کردند چون آن را مایه خیر و برکت و رضایت ارباب خودشان میدانند و حتی خودشان را در شرایطی قرار می دهند تا زحمت بیشتر متحمل شوند زیرا بزرگداشت اربعین برای آنها یک سند و هویت افتخار است.

اربعین شریف حسینی علیه السلام اصالت لذت را در تمام مکاتب ۵ گانه به چالش کشیده است

مراسم اربعین اصالت غضب را به بازی گرفته است، دنیای غرب که تمام اندیشه و ایدئولوژی خود را در رسانه هایش به نمایش گذاشته و خشم و خشونت و غضب را ثمره مکانیکی و ماشینی شدن انسان قرن جدید می داند با ساخت فیلم هایی چون اره و نجات سرباز رایان و .....

غضب و خشونت و عدم نوع دوستی و عواطف بشردوستانه انسانی را به نمایش می گذارد و اجتماع و محیط را معلول این رفتارها معرفی می کند.

تفکر غرب این است که حفظ اصالت سود و شهوت منجر به غضب می شود زیرا برای کسب این ۲ اصالت باید منافع و حقوق دیگران را نقض کرد و اگر با مقاومت مواجه شدید غضب و خشونت راه حل آن است.

ولی در مراسم اربعین چندصدهزار نفر ۲۴ ساعت شبانه روز در تلاش هستند تا ۲۰ میلیون انسان دیگر در رفاه باشند و از حقوق و منافع خود چشم پوشی می کنند تا آنان به سختی دچار نشوند ، با وجود شرایط ضعیف رفاهی و عدم امکان استراحت کافی و فقدان نیروی انسانی ، صبر و حوصله و چهره خندان و حتی اصرار به برای پذیرایی کردن و اقامت در منازل شخصی توسط عراقی ها وکنترل خشم و غضب در مقابل برخی توهین ها و تندی های و کم لطفی هایی که زائران نشان میدهند اربعین یک حماسه انسانی را ایجاد کرده است.

افرادی که در این مراسم با شکوه حاضر هستند شهادت می دهند و رسانه ها نیز موید این موضوع هستند که در طول مراسم اربعین درگیری و خشونت یا تشنج اعصاب وجود ندارد و طی چند سفری که بنده توفیق تشرف داشتم حتی یک نزاع و جنجال خیابانی را ندیدم و این باعث شگفتی من شد زیرا در برخی مراسم های ملی و مذهبی کشورم و حتی مهمانی های خانوادگی مانند عروسی و .... بارها و بارها نزاع و درگیری مشاهده می شود.

چگونه است که ۲۰ میلیون انسان با زبان و نژاد و فرهنگ و توقعات مختلف در یک مسیر ۸۵ کیلومتری با وجود عوامل تنش زا هیچ گونه اصطکاکی باهم ندارند؟

ان شاء الله بررسی دیگر تقابلات مراسم اربعین با مکاتب فکری مادی و بشری به عهده خواننده گرامی باشد.

طبق روایات فرموده اند: گوسفند و پلنگ با هم در یک محل زندگی می کنند(عن ابن عباس حتی یأمن الشاه و الذئب و البقره و الأسد و الإنسان و الحیهٔ و حتی لا تقرض فأره جراباً ». بحار الانوار، ج۱، ص ۶۱؛ بیهقی، سنن، ج۹، ص ۱۸۰

ابن عباس درباره ی گسترش امنیت در روزگار مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می گوید: حتی در آن عصر، گرگ، گوسفند را نمی درد و شیر، گاو را از بین نمی برد و مار به انسان آسیبی نمی رساند و موش، انبانی را نمی جود و به آن دستبرد نمی زند)

و این یک معیار است زیرا پلنگ و گرگ و شیر فی النفسه قاتل و شکارچی هستند و گوسفند و انسان فی النفسه در نگاه پلنگان و شیران یک صید است.

در عصر ظهور ماده و زمینه فساد و خشم و غضب رفع می شود و انس و الفت و مهربانی و رفاه عمومی فراهم می شود تا جایی که گنج هاب زمین خودشان را برای بندگان مکشوف می کنند تا آنها در رفاه باشند(پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: ... یظهر الله له کنوز الأرض و معادنه ;خداوند، گنج های زمین و معادن آن را برای امام مهدی (عج) ظاهر خواهد کرد بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۳)

حقوق ضایع نمی شود و همه مطمن هستند که مدافع دارند(عن جعفر بن سیار الشامی، قال: یبلغ من رد المهدی المظالم، حتی لو کان تحت ضرس إنسان شیء انتزعه حتی برده ، ابن حماد، فتن، ص۹۸؛ عقد الدرر، ص ۳۶؛ ابن طاووس، ملاحم، ص۶۸؛ القول المختصر، ص۵۲

جعفر فرزند سیار شامی می گوید: اندازه و حدود پس گیری حقوق از بین رفته در روزگارمهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بدان اندازه است که اگر حقی از کسی در زیر دندان دیگری باشد، حضرت آن را باز می ستاند و به صاحبش باز می گرداند)

زمان ظهور زمانی است که همه چیز مطابق فطرت است و انسان ها تا قبل از آن فقط در کتاب ها چنین چیزهایی خوانده بودند (عن النبی صلی الله علیه و آله : یملأ الأرض عدلاً کما ملئت جوراً حتی یکون الناس علی مثل أمرهم الأول لا یوقظ نائماً و لا یهرق دماً ابن حماد، فتن، ص۹۹؛ متقی هندی، برهان، ص ۷۸؛ ابن طاووس، ملاحم، ص۷۰؛ ر.ک: عقدالدرر، ص ۱۵۶؛ الثول المختصر، ص۱۹؛ سفارینی، لوائح، ج۲، ص ۱۲؛ طوسی، غیبه، ص ۲۷۴؛ الجرائح و الخرائج، ج۳، ص ۱۱۴۹؛ اثبات الهداه، ج۳، ص ۵۱۴؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص ۲۹۰

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید: ... زمین را از عدالت پر می کند تا جایی که مردم به فطرت خویش باز می گردند نه خونی به ناحق ریخته می شود و نه خوابیده ای را بیدار می کنند)

اربعین نه تنها یک مراسم پیاده روی، بلکه یک هویت فرهنگی و اعتقادی است و تابلوی حداقلی هایی از عصر ظهور است و صد البته نمی توان قیاس کرد ولی به جهت تقریب ذهن مطالبی بیان شد تا شاید دل ها متوجه ضرورت ظهور گردند

اربعین یک سند افتخار است، سند افتخاری که با وجود تحریم ها و تکفیرها و ارعاب ها هر ساله با قوت بیشتری در حال رشد است.

اربعین شعار است و تبدیل به شعائر شیعی شده است و حتی یک دعوت عمومی از انسان ها برای حضور مصلح.

اربعین یک فریاد خاموش است که بگوید الا ای اهل عالم ما در تبعیت از سنت حسنه یک صحابی جلیل القدر به اسم جابر بن عبدالله انصاری و در مواسات با اهل بیت علیهم السلام لبیک گفتیم و این حماسه را خلق کردیم پس بدانید اگر مولایمان مهدی علیه السلام ندای خروج و قیام سر بدهد چه ها خواهیم کرد...

اربعین توسط رسانه های غربی بایکوت خبری می شود تا اقتدار شیعی را پنهان کنند ولی آنان نفهمیدند که خداوند در قرآن فرموده است که نور من را با فوت کردن نمی توانید خاموش کنید.

یُرِیدُونَ أَنْ یُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ یَأْبَی اللَّهُ إِلاَّ أَنْ یُتِمَّ نُورَهُ وَ لَوْ کَرِهَ الْکَافِرُونَ (توبه ٣٢)

ختم می کنم این مقاله را به یک روایت شریف از وجود مبارک رسول الله صلوات الله علیه و آله که از لسان مطهره عقیله بنی هاشم حضرت زینب کبری سلام الله علیها صادر شده است و باعث تسلیت و تسکین قلب مجروح حجت خدا ولی الله سید الساجدین علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام شد. آن گاه که در عصر روز یازدهم، اسرا را از کنار پیکرهای غرقه به خون شهدا و بی سر امام حسین علیه السلام عبور دادند و چشم زین العابدین علیه السلام به آن منظره دلخراش افتاد چنان متاثر شد که نزدیک بود روح از بدنش پرواز کند . زینب سلام الله علیها آن بانوی شیرزن میدان کربلا با شتاب خود را به پسر برادر رسانید و با ارائه مفاد حدیثی که ام ایمن از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده بود و پدرش علی علیه السلام هم آن را تایید کرده بود، موجب آرامش خاطر زین العابدین علیه السلام شد.

فقالت: لا یجز عنک ماتری، فو الله ان ذلک لعهد من رسول الله صلی الله علیه و آله الی جدک و ابیک و عمک، و لقد اخذ الله میثاق اناس من هذه الامۀ لا تعرفهم فراعنۀ هذه الارض، و هم معروفون فی اهل السماوات انهم یجمعون هذه الاعضاء المتفرقۀ فیوارونها، و هذه الجسوم المضرجۀ و ینصبون لهذا الطف علما لقبر ابیک سید

الشهداء علیه السلام لا یدرس اثره، و لا یعفو رسمه، علی کرور اللیالی و الایام و لیجتهدن ائمۀ الکفر و اشیاع الضلالۀ فی محوه و تطمیسه فلا یزداد اثره الا ظهورا و امره الا علوا

پسر برادرم! این منظره های دلخراش شما را بی تاب نکند، پس به خدای سوگند! این عهدی است از رسول الله صلی الله علیه و آله با جد و پدر و عمویت سلام الله علیهم اجمعین و هر آینه، خداوند را بر گروهی از این امت میثاقی است که فرعونیان این سرزمین آنها را نشناسند و ستمگران زمین آنها را نمی شناسند و به نشانی ای که از محبت ما در پیشانی دارند نزد آسمانیان معروف باشند و پیش فرشتگان آسمان شناخته شده و آشنایند، آن ها این بدن های پاره پاره را جمع می کنند و دفن می سازند. و بر این سرزمین نشانه ای برای قبر سید الشهداء علیه السلام نصب می کنند که اثر آن محو نخواهد شد و گذشت زمان آن را کهنه نخواهد ساخت .

هر قدر جباران و پیروان ضلالت برای نابودی آن کوشش کنند بر عظمت و شوکت آن افزوده خواهد شد و خداوند تبارک و تعالی بر مقام آن بیفزاید .

جالب توجه آن که، آن گاه که زینب کبری علیه السلام از زبان جبرئیل خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله در مقام بیان آن عهد، در پاسخ به پسر برادرش بر می آید چنین تعبیر می کند :

ثم یبعث الله قوما من امتک لا یعرفهم الکفار لم یشرکوا فی تلک الدماء بقول و لا فعل و لانیۀ فیوارون اجسامهم و یقیمون رسما لقبر سید الشهداء بتلک البطحاء یکون علما لا هل الحق و سببا للمومنین الی الفوز...

سپس خداوند متعال گروهی از امت تو پیامبر صلی الله علیه و آله را برانگیزاند که کافران و ستمگران، آنان را نشناسند و در ریختن خون های عاشوراییان هیچ نقشی نداشته اند تا این اجساد پاک را دفن کنند و بر آن تربت نورانی علم و نشانه ای بر پا دارند که برای اهل حق، راهنما و برای اهل ایمان سبب رستگاری باشد .
و سیجد اناس حقت علیهم من الله اللعنۀ و السخط ان یعفوا رسم ذلک القبر و یمحوا اثره، فلا یجعل الله تبارک و تعالی له الی ذلک سبیلا

و باز چندی نگذرد مردمانی دیگر پدید آیند که مورد لعن و سخط الهی هستند که اراده اطفا و خاموش ساختن این نور الهی و علم هدایت بشری را دارند، تا از آن قبر اثری نماند، اما خداوند به آنان چنین فرصتی نمی دهد و مانع از رسیدن آنان به آرزوی باطلشان خواهد شد.

این روایت شریف راز تعالی روزافزون شعائر حسینی را نشان می دهد و رمز شکوه اربعین هویدا می گردد

اربعین سند افتخار شیعه است که شکوه و جلال آن به دست خداوند متعال است و طبق وعده الله متعال اگر تمام جهان کفر هم متحد شوند ذره ای از عظمت اربعین کاسته نمی شود زیرا خداوند اراده کرده است که مردم جهان تلنگر و تذکری به زمان ظهور پیدا کنند

دشمنت کشت ولی نور تو خاموش نگشت

آری آن جلوه که فانی نشود، نور خداست

زنده را زنده نخوانند که مرگ از پی اوست

بلکه زنده است شهیدی که حیاتش ز قفاست

تو در اول، سر و جان باختی اندر ره عشق

بهر لبیک ندایت، دو جهان پر ز نداست

رفت بر عرشه‌ی نی تا سرت ای عرش خدا

کرسی و لوح و قلم، بهر عزای تو به پاست

پرچم کفر نگون سلطنت کفر نگون

سلطنت، سلطنت توست که پاینده لواست

چنانچه خواندن این مقاله برای شما مفید بوده است ۱۰ صلوات به نیابت از امام جواد علیه السلام تقدیم امام عصر روحی فداه کنید به نیت تعجیل ظهور

ان شا الله در سفر اربعین نیابت بگیربد از طرف سه عالی مقام قریش حضرات عبدالمطلب و ابوطاب و عبدالله علیهم السلام

محرم ۱۴۴۰- ایام اربعین

العبد الاحقر – کلب آستان ولایت حیدر کرار علیه السلام

فریدون عاشورلو